

An Analysis of the Factors Affecting Hunting, Its Goals and Functions in the Nasserite Era

Zahra Ghanbari*, **Sahmeddin Khazaei****

Abstract

Kings have had different funs in most historical periods, but one of the common funs is hunting. Different dynasties ruling of Iran have always paid special attention to hunting and the Qajar period is one of the most prominent of these periods, especially in the Nasserite era, Nasser al-Din Shah, princes and even ordinary people were very interested in hunting and therefore engaged in hunting every day. In the present study, attempt will be made to by descriptive-analytical method and by using travelogues, memoirs and documents, answer the question that what were the factors affecting hunting, hunting functions and hunting goals in the Nasserite era? The findings of the study indicate that the climate, sanctuaries, abundance of hunting grounds, physical strength of people, unfounded beliefs, variety of hunting tools and admirable behavior, have been effective factors in the hunting method in this period. Hunting during the Qajar period, especially during the Nasserite era, was carried out in two forms, free and enclosed. In free hunting, the king and everyone else were allowed to hunt, but enclosed hunting was often reserved for the king. Although the king and courtiers' first motivation of hunting was entertainment, in fact also followed other purposes such as skill training, providing food from hunting meat, strengthening foreign relations by sending hunted animals as disgrace, satisfying the sense of warfare and power, and averting possible dangers.

Keywords: Hunting, Nasserite era, Enclosed hunting, Free hunting, Animal species.

* Department of History of Lorestan University, Khoram Abad, Iran, zahra7474.ghanbari@gmail.com

** Assistance Profesor in history of Lorestan University (Corresponding Author), khazaei.s@lu.ac.ir

Date received: 2022/08/06, Date of acceptance:2023/01/24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار، اهداف و کارکردهای آن در عصر ناصری

زهرا قنبری*

سهم الدین خزائی**

چکیده

شاهان در اکثر دوره‌های تاریخی به تفریحات متفاوتی پرداخته‌اند، اما یکی از سرگرمی‌هایی که در بین همه‌ی آنان مشترک بوده، شکار است. دودمان‌های مختلف حاکم بر ایران همواره به شکار توجه ویژه‌ای داشته‌اند و دوره‌ی قاجار یکی از نمایان‌ترین این دوره‌هاست، بویژه در عصر ناصری شخص ناصرالدین‌شاه، شاهزادگان و حتی مردمان عادی هم به شکار علاقه‌ی وافری داشتند و لذا همه‌روزه به شکارگری مشغول بودند. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از سفرنامه‌ها، خاطرات و اسناد به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل مؤثر بر شکار، کارکردهای شکار و اهداف شکار در عصر ناصری چه بوده‌اند؟ دست‌آوردهای پژوهش بیانگر آن است که آب‌وهوا، قرق‌گاه‌ها، وفور شکارگاه‌ها، توان و قدرت فیزیکی افراد، باورهای بی‌اساس، تنوع در آلات شکار و رفتار تحسین‌آمیز، از عوامل مؤثر بر طریقه‌ی شکارگری در این دوره بوده‌اند. شکار در دوران قاجار بویژه عصر ناصری به دو صورت آزاد و قرق انجام می‌گرفت. در شکار آزاد، شاه و همه‌ی افراد مجاز به شکارگری بودند، اما شکار قرق اغلب مختص شاه بود. اگرچه نخستین انگیزه‌ی شاه و درباریان از شکار، تفریح و سرگرمی بود، اما در حقیقت اهداف دیگری مانند تمرین مهارت، تأمین آذوقه از گوشت شکار، تقویت روابط خارجی با

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه لرستان، zahra7474.ghanbari@gmail.com

** استادیار تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، khazaei.s@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

فرستادن حیوانات شکار شده به عنوان خلعت، ارضای حس سلحشوری و قدرت و دفع خطرات احتمالی را نیز در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: شکار، عصر ناصری، قرق، شکار آزاد، گونه‌های جانوری

۱. مقدمه

شکار در دوره‌ی قاجار مانند دیگر ادوار تاریخی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. شاهان قاجار بیشتر وقت خود را صرف این کار می‌کردند. البته اهمیت شکار نزد همه‌ی شاهان قاجار یکسان نبود، در زمان ناصرالدین‌شاه توجه زیادی به شکارگری می‌شد، چراکه هم شخص شاه علاقه‌ی بسیاری به شکارگری داشت و هم اجازه‌ی این کار به سایر افراد داده می‌شد. مسئله‌ی شکار در عصر قاجار موضوعی است که اخیراً توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است.

در رابطه با موضوع حاضر تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ زهرا قنبری و توران طولابی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن»، تنها چگونگی روند شکار در میان اشراف قاجاری در عصر ناصری را مورد بررسی قرار داده و در پی آن پیامدهای زیست‌محیطی شکار اشراف در این دوره مورد واکاوی قرار گرفته است. زهرا قنبری و سهم‌الدین خزائی (۱۴۰۰) در پژوهش «قرق و امنیت شکار در عصر ناصری» مسئله‌ی قرق، کارکرد آن و آثار و پیامدهای آن را در دوره‌ی ناصری مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش‌ها به نقش عوامل مؤثر در شکار، اهداف و کارکردهای آن اشاره‌ای نشده است. در این میان شهاب شهیدانی و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهشی به «بررسی و تحلیلی بر آداب و اخلاق شکار حیوانات در عصر صفویه» پرداخته و مسائلی همچون انگیزه و فرایند شکار در عصر صفوی و مخاطرات آن بر محیط‌زیست و گونه‌های جانوری را بررسی کرده است و معتقد است که صفویان از شکار به عنوان منبع غذایی، فراگیری فنون رزمی و کسب حس افتخارجویی با رویکرد اخلاق «انسان‌محوری» استفاده می‌کرده‌اند. رضا دریکوندی و مصطفی ندیم (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی به «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی» پرداخته و جایگاه شکار سلطنتی را به عنوان محبوب‌ترین تفریح سلطنتی دوره صفویه بررسی کرده، هم‌چنین کارکرد اصلی آن و شیوه‌های انجام شکار را مورد توجه قرار داده است. این دو مقاله وضعیت

شکار در عصر صفویه را بررسی کرده‌اند. اما مسعود آدینه‌وند و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی به «تحلیل پدیده‌ی شکار سلطنتی در عصر قاجار»، پرداخته و به مسئله‌ی محیط‌زیست و پدیده شکار در عصر قاجار توجه کرده‌اند و رودی مته (۱۳۹۸) نیز در کتاب خود با عنوان *تفریحات ایرانیان (مخدرات و مسکرات از صفویه تا قاجاریه)* به مبحث شکارگری در عصر قاجار و تحلیل شکار به عنوان یکی از تفریحات مورد علاقه‌ی شاه و اشراف پرداخته است. اما در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا عوامل مؤثر بر شکار و کارکردهای شکار و اهداف شکارگری در عصر ناصری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا روشن گردد که برخلاف تصور رایج، شکار در عصر قاجار تنها با هدف سرگرمی و تفریح صورت نمی‌گرفته، بلکه اهداف دیگری را نیز در پی داشته است.

۲. اهمیت شکار در عصر قاجار

شکار در همه‌ی دوره‌های تاریخ ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌ها برای شاه و درباریان بوده است. شکار در دوره‌ی قاجار هم از اسباب تفریح و خوشگذرانی محسوب می‌شد. شاه و همه‌ی اطرافیان او که شامل فرنگی‌ها هم می‌شد، همه روزه برای شکار به مناطق مختلف می‌رفتند و شکار جزء لاینفک زندگی‌شان محسوب می‌شد (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۶۳۹/۲). در واقع شکار نمایش کفایت و توانایی جسمانی شاه و دیگر افراد بود. از آن‌جا که شکار به ویژه شکار جرگه (نوربخش، ۱۳۴۶: ۱۴۸) یکی از مهم‌ترین تفریح‌های عصر قاجار بود، شاهان، شاهزادگان، درباریان و دیگر افراد، علاوه بر استفاده از جنبه‌ی تفریحی شکار، از ظرفیت‌های متنوع آن برای تحقق اهداف سیاسی، نظامی و معیشتی خود نیز بهره می‌گرفتند. شکار از اسباب عیش و تفریح پادشاه بوده و از ایام قدیم قاعده و قانون این ولایات بر این بود که همه‌ی مقربان و چاکران و شکارچیان ماهر در رکاب شاه به شکار بروند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۵۳/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲۷۶/۱). شکار به عنوان تفریحی لذت‌بخش برای سفرای خارجی که در ایران اقامت داشتند نیز به حساب می‌آمد، زیرا فقدان سرگرمی موجب شده بود که معمولاً خود را با شکار مشغول کنند (دوراند، ۱۳۴۶: ۱۵). اجازه و اختیار این کار از طرف شاه به آنان داده شده بود و این امر موجب شده بود که آن‌ها هم در این زمینه مهارت لازم را به دست آورده و شکار

به یکی از تفریحات ثابت آنها تبدیل شده (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۶۳۹/۲؛ فوریه، ۱۳۸۵: ۱۲۶) و زمان زیادی را هم صرف این کار کنند (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۰۳).

اما شکار نزد همه شاهان قاجار از اهمیت یکسانی برخوردار نبود. در مورد شاهان نخستین قاجار آگاهی چندانی در مورد شکار از منابع به دست نمی‌آید (فلاندن، بی‌تا: ۷۲)، زیرا مسائل و درگیری‌های سیاسی موجب شده بود که علاقه چندانی به شکار نشان ندهند، اما در زمان ناصرالدین‌شاه توجه بیشتری به شکار می‌شد، زیرا ناصرالدین‌شاه خود شاه شکار بود و وقت بسیاری را برای انجام این کار می‌گذاشت (مارکام، ۱۳۶۷: ۳۸). یکی دیگر از دلایلی که سبب شدت دوره‌ی ناصری نمایان‌تر از سایر دوره‌ها باشد، سلطنت طولانی مدت ناصرالدین‌شاه بود که فرصت بیشتری برای خوش‌گذرانی در اختیار وی قرار داده بود. از دیگر دلایل اهمیت و علاقه‌ی ناصرالدین‌شاه به شکار، وجود شکارگاه‌های فراوان و تنوع گونه‌های مختلف جانوری بود. شکار در این دوره نه تنها برای شخص شاه، بلکه برای شاهزادگان و همه‌ی افرادی که به گونه‌ای با شاه در ارتباط بودند، نیز اهمیت داشت. از آن‌جا که محدودیتی برای شکارگری اعمال نشده بود، همه‌ی افراد با هر مقام و منصبی مجاز به شکار بودند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۲۸) و با شکار بی‌رویه، گونه‌های جانوری را از بین می‌بردند. البته منافع مختلفی هم از این راه نصیبشان می‌شد. در واقع هر شخصی با توجه به موقعیتی که داشت از کاربردهای شکار استفاده می‌کرد. پس از یک شکار موفقیت‌آمیز، شاه و همه‌ی ابواب جمعی او مبلغی را به عنوان نازشست و خلعت برای هم می‌فرستادند. این هدیه‌ها گاه با ابزار شکار هم همراه می‌شد که نشان از اهتمام و اهمیت شکار در این دوره بود. گرچه شکار هر یک از گونه‌ها برای شاه و درباریان مسرت‌بخش بود، اما شکار حیواناتی همچون پلنگ و خرس برای شاه بسیار غرورآفرین بود. باید در نظر داشت که شکار این گونه‌ها طبیعتاً خالی از خطر نبود، اما افتخاری که شکار این حیوانات ارزشمند نصیب شاه می‌کرد، موجب شده بود که خطرات احتمالی نادیده گرفته شود. از آن‌جا که شکارگری برای شخص شاه و همراهانش موضوع با اهمیتی بود و همچنین علاقه‌ی بسیاری به ثبت این افتخارات داشتند، عده‌ای از شاهزادگان که همیشه در رکاب شاه بودند و مورخ درباری محسوب می‌شدند، روزانه وقایع شاه و شکارهای او و دیگر افراد را ثبت می‌کردند. همچنین در این دوره دستگاه عکاسی رواج یافته بود و عده‌ای از افراد در رکاب شاه و شاهزادگان بودند که هرگاه آنان گونه‌ی ارزشمندی را شکار می‌کردند از آن عکس می‌گرفتند (شیبانی، ۱۳۷۴: ۳۰۶-۳۰۷).

ناصرالدین‌شاه سلطانی دائم‌السفر بود و برای کسب افتخارات ناشی از شکار گونه‌های ارزشمند رنج مسافرت‌های طولانی را به جان می‌خرید و در این مسیر گاه اتفاقات ناگواری برای او پیش می‌آمد (مخبرالسلطنه، بی‌تا: ۱۲۹)، اما با این وجود شاه همچنان به شکار علاقمند بود. یکی دیگر از دلایل اهمیت شکار برای شاه و اطرافیان این بود که شاه هم از جنبه‌ی تفننی آن محظوظ می‌شد و هم از جنبه‌های معیشتی، نمایشی آن. شکار امری پرزحمت و پرهزینه بود، اما فوایدی که از شکار عاید شاه و اشراف می‌شد موجب شده بود که محنت شکار نادیده گرفته شود و با اشتیاق تمام انجام شود. ناصرالدین‌شاه بی‌اندازه به تفریحات به‌ویژه شکار علاقه داشت (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۶۳؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۲۹۳) و اوقاتش را به شکار و سواری و تفریح می‌گذراند (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۷: هشت؛ مستوفی، ۱۳۸۸: ۴۱۳/۱؛ نجمی، ۱۳۶۷: ۱۸۴). لذتی که شکار نصیب شاه می‌کرد باعث شده بود که از آسایش، رفاه تجملی و غذای لذیذ حرم بگذرد و زندگی سخت و خشن شکاری را ترجیح دهد (وامبری، ۱۳۷۲: ۳۰۴). شاه و همراهانش در موقعیت‌های مختلف همچون مسیر رفت و آمد به شهرها و مناطق دور و نزدیک، (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۲)، هنگام گردش (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۳۸/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۱۶۴)، هنگام زیارت امامزاده‌ها (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶۱۸/۱) و حتی در شرایط نامساعد جوی (همان: ۲۷) شکار می‌کردند. همچنین در طی مسافرت‌های دریایی که با کشتی انجام می‌شد، به شکار پرندگان و آبیان مشغول می‌شدند (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳: ۷۰). در واقع شکارگاه صحنه‌ای بود برای نمایش قدرت شاهانه، که تحسین دیگران را به دنبال داشت و رغبت شاه برای شکار بیشتر می‌شد (بیانی، ۱۳۷۵: ۴۸/۱). شکار شاه معمولاً به صورت جمعی و با همراهی شاهزادگان و ملازمانش بود. در این مواقع، اولویت شکار ابتدا با شاه بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۹۲۳). در مواقعی که شکار ارزشمندی نصیب شاه می‌شد خیلی مسرور بود (همان: ۲۰۴) و هرگاه موفق به شکار نمی‌شد، افرادی که از علاقه‌ی شاه مطلع بودند، شکار دیگران را به او نسبت می‌دادند تا رضایت خاطرش را جلب کنند (همان: ۱۰۱، ۱۸۷-۱۸۸، ۳۷۹) گاهی شکار برخی از گونه‌های مهم چند شبانه روز زمان می‌برد (آریا، ۱۳۷۶: ۶۷-۶۸). از این رو ناصرالدین‌شاه بیش از دیگر شاهان قاجار به ساخت عمارت در شکارگاه‌ها علاقه نشان داد. او نه ماه از سال را به سفرهای کوتاه برای شکار و تفریح می‌گذراند (وامبری، ۱۳۷۲: ۳۰۴؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۴) و همین منجر به ساخت عمارت‌های مختلفی در شکارگاه‌ها شد. در دوره‌ی قاجار بویژه در عصر ناصری مناطقی برای شکار و شکارگری وجود داشت، که شاه

با مقربانش مدتی را در آن مناطق می‌گذراند. مکان‌هایی مانند پس‌قلعه در دل کوه‌ها و دامنه‌های آن مورد توجه خاص ناصرالدین‌شاه بود و وی از این مناطق به عنوان شکارگاه استفاده می‌کرد (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۶۵/۱). وی عمارات دوشان‌تپه، عشرت‌آباد، صاحبقرانیه، سلطنت‌آباد، شکارگاه جاجرود^۱، سرخه‌حصار و شهرستانک را ساخت (مستوفی، ۱۳۸۸: ۴۰۷/۱؛ بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۹). علاقه و ذوق خاندان قاجار به شکار موجب شد که بیشتر اطراف تهران به شکارگاه تبدیل گردد (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۶۴). همین ذوق شکار سبب شده بود تا ناصرالدین‌شاه اغلب گردش‌های خود را در باغ‌وحش بگذراند (سرنا، ۱۳۶۲: ۸۲). علاقه افراطی شاه به شکار (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۱۸) او را چنان حریص کرده بود، که گاه قوانینی وضع می‌کرد که افرادش در حین شکار عقب‌تر از او بیایند تا خود با فراغ‌بال بیشتری شکارگری کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۶۰۷)، زیرا در شکارهای گروهی به دلیل تیراندازی همزمان، شکارچی اصلی معلوم نمی‌شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۶۲۱/۱-۶۲۲؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۴۱۷/۲). شاهزادگان هم اکثر مواقع بصورت جمعی به شکار رفته و اوقات می‌گذراندند (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۳)، هرچند گاهی با همه‌ی تدارکی که برای شکار دیده بودند موفق به زدن یک گونه‌ی جانوری هم نمی‌شدند (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۱۴۱).

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه کرد همراهی زنان حرمسرا با شاه در هنگام شکار بود. شاه به دلیل اینکه مدت‌های مدیدی را برای شکارگری در مناطقی دور از حرم به سر می‌برد، لذا عده‌ای از زنان حرمسرا را با خود همراه می‌کرد و زنان هم در کنار شاه به شکار حیوانات می‌پرداختند و در شکارگری مهارت لازم را به دست آورده بودند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۸). نمونه‌ی بارز زنان شکارگر؛ معشوقه‌ی ناصرالدین‌شاه یعنی جیران تجریشی بود، که در قرق‌های سلطنتی، شاه از سویی و جیران از سوی دیگر به شکارگری می‌پرداختند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۹).

مظفرالدین‌شاه هم در زمینه‌ی شکارگری مهارت داشت و تعداد زیادی از گونه‌های ارزشمند توسط او شکار شدند (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۸۵۲/۱)، اما با وجود علاقه‌ای که داشت (ملک‌المورخین، بی‌تا: ۸۳/۱) به دلیل مشکلات و ناتوانی جسمی، توان حرکت و جستجو برای شکار را نداشت. بدین جهت ملازمانش در حضور او انواع گونه‌های مهم را شکار می‌کردند. او گاه تعدادی از افرادش را به اطراف و مناطق مختلف می‌فرستاد تا شکارگری کنند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۶۲۸/۲). گاهی نیز با وجود مخالفت مظفرالدین‌شاه

با شکار حیوانات، همراهانش در حضور او دست به شکار انواع گونه‌های جانوری می‌زدند (همان: ۱۲۲۳ و ۱۶۲۸). در زمان حکومت مظفرالدین‌شاه قدغن بودن شکار محدود و منحصر به تهران شد (همان، ۱۳۷۷: ۲۰۵۶/۳-۲۰۵۷؛ افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۵) که احتمال می‌رود دلیل این محدودیت، کاسته شدن میزان شکارگری در زمان این پادشاه بود. طبیعتاً قدغن‌های موجود باعث می‌شد که بسیاری از گونه‌های جانوری در امان بمانند و به تبع تعدادشان نیز بیشتر شود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۵۰۷). یکی از نتایج انقلاب مشروطه نیز توجه به محیط زیست و حفظ گونه‌های جانوری بود و همین سبب شد تا در زمان مشروطه شکار به‌طور کلی منسوخ شود (همان: ۲۰۵۶-۲۰۵۷). بنابراین پس از انقلاب مشروطه شکار شاهانه جایگاه خود را از دست داد و موانع قانونی برای این کار به وجود آمد.

۳. عوامل مؤثر بر شکارگری در عصر ناصری

در عصر ناصری عوامل متعددی سبب شده بود تا شکارگری دچار نوسان شده و گاه پررونق و گاهی امر شکار دچار رکود و سستی شود. این عوامل عبارت بودند از:

۱.۳ آب‌وهوا

یکی از مهم‌ترین مسائلی که بر روند شکارگری در عصر ناصری تأثیر می‌گذاشت؛ مسئله‌ی آب‌وهوا و شرایط جوی بود. بسیاری از شکارها در فصول خاصی از سال انجام می‌شد. در واقع شاه، اشراف و مردم عادی برای شکار هر یک از گونه‌های جانوری در فصلی از سال که مناسب برای شکار آن گونه بود، اقدام می‌کردند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۴۳۰/۶) و به این مسئله که هر گونه‌ی جانوری را در فصل، مکان، و آب‌وهوای مخصوص به خود شکار شود، اشراف داشتند. فصل زمستان و هوای برفی برای شکار گونه‌هایی همچون کبک مناسب‌ترین زمان بود. منطقه‌ی جاجرود یکی از شکارگاه‌هایی بود که شاه اغلب برای شکار کبک به آنجا می‌رفتو معمولاً دو هفته در دره‌ی جاجرود می‌ماند (امانت، ۱۳۸۳: ۴۰۴). در مواقعی که زمین پوشیده از برف بود، شاه برای شکار کبک به جاجرود می‌رفت (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۲۲) و تعداد بی‌شماری از گونه‌ی کبک را شکار می‌کرد، چون در این مناطق فقط در هوای برفی گونه‌های زیادی جمع می‌شدند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۶۲۹/۱) و با وجود

هوای سرد و برفی در درون چادرهای روباز (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۱) چند روزی در آنجا توقف می‌شد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۴۷۱/۱). مردمان عادی هم در هوای برفی و در نقاط مختلف مشغول شکار کبک می‌شدند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۲۶۱/۵). البته هوای سرد و برفی برای شکار همه‌ی گونه‌های جانوری مناسب نبود و در برخی از مناطق هم به دلیل وجود سرما، تعداد گونه‌های جانوری به شدت کم می‌شد (همان، ۱۳۷۹: ۶۱۷۳/۸). گاه به علت نامناسب بودن شرایط جوی، شاهزادگان با همه‌ی تبجری که در شکارگری داشتند تنها می‌توانستند تعدادی کمی از گونه‌های جانوری را شکار کنند (همان، ۱۳۷۴: ۲۷/۱).

اما برخی از مناطق که آب‌وهوای معتدل داشت، برای شکار بسیاری از حیوانات مناسب بود (همان، ۱۳۷۴: ۱۶۹/۱). بسیاری از مناطق به دلایل مختلف دارای انواع و اقسام حیوانات بودند و لذا مورد توجه شاه قرار می‌گرفتند. یکی از این مناطق؛ جنگل‌های اطراف مازندران بود که شاه برای شکار انواع طیور به آنجا می‌رفت (روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۴: ۴۸۵/۱). از دیگر مناطق مهم و مورد توجه شاه به دلیل وفور صید و خوش آب و هوا بودن؛ منطقه‌ی جاجرود بود (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۷۳۰/۱۰).

۲.۳ قرق گاه‌ها و ممنوعیت شکار در برخی مناطق

از دیگر مسائلی که بر شکارگری شاه و اطرافیان او تأثیر می‌گذاشت؛ قرق کردن مناطق مختلف و قدغن کردن شکار بود (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۴۹؛ عین السلطنه، ۱۳۸۰: ۷۶۳۴/۱۰-۷۶۳۵). قدغن کردن شکار در برخی مناطق دلایل مختلفی داشت؛ در برخی مناطق فقط در صورت داشتن معجوز و بلیط امکان شکار کردن وجود داشت (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۲؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۹۹: ۲۵). گاهی به دلیل نزدیک بودن شکارگاه به روستاها و سروصدایی که حاصل از شلیک شکارچیان بود، پلیس‌ها شکار در این مناطق را قدغن می‌کردند (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۲، ۴۱). قدغن کردن شکار در برخی مناطق فقط توسط شاه صورت می‌گرفت و به آن قرق سلطنتی می‌گفتند و تنها شاه به همراه زنانش به شکار می‌پرداختند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۹). در این دوره قرق شخصی هم وجود داشت (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۴۸) و قرق کردن مناطق شکار به شاه محدود نمی‌شد، بلکه برخی از درباریان هم اجازه‌ی این کار را داشتند (عین السلطنه، ۱۳۸۰: ۷۶۳۴/۱۰-۷۶۳۵).

۳.۳ حضور شکارچیان مختلف در شکارگاه‌ها

یکی از عواملی که در امر شکار مؤثر بود و جریان شکار کردن را سخت و کند می‌کرد این بود که شکار در برخی از شکارگاه‌ها مورد توجه شاه و بسیاری از دیگر افراد بود و به دلیل حضور مکرر شکارچیان متعدد در این مناطق، گونه‌های جانوری با صدای تفنگ و شکارچی آشنا شده بودند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۵۳/۱-۱۵۴، ۱۹۱، ۲۴۹-۲۵۰). و با دیدن شکارچی‌ها و شنیدن صدای شلیک اسلحه، به سرعت خود را در کوه‌ها پنهان کرده و پیدا کردن و شکارشان کار دشواری بود. از آن‌جا که در برخی از شکارگاه‌ها، شکار کردن برای همه‌ی افراد با هر منصبی، آزاد بود، این مسئله موجب شده بود که همه به صورت مداوم شکارگری کنند و حضور بسیاری از شکارچیان در برخی مناطق موجب شده بود که حتی در مواقعی شکاری نصیب شاهزادگان نشود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۱۹/۱).

۴.۳ همراهی تعداد زیادی از شاهزادگان و خدمه با شاه در شکارگاه

همراهی تعداد زیادی از شاهزادگان و خدمه با شاه موجب شده بود که شکار شاه با خلل مواجه شود از این رو ناصرالدین شاه گاهی دستور می‌داد که افرادش با فاصله پشت سر او بیایند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۶۰۷). شاه با همه‌ی مهارتی که داشت در مواقعی موفق به شکار نمی‌شد، از همین رو برخی از افرادش را برای شکار می‌فرستاد اما میل داشت که آنان هم شکار نکنند، آنان هم گاهی گونه‌هایی همچون قوچ را شکار می‌کردند که مزید بر علت شده و بر آزردگی خاطر شاه می‌افزود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۵۰۹). شکارهایی که توسط درباریان انجام می‌شد و اسباب دلخوری شاه را فراهم می‌کرد، موجب شده بود که شاه حضور این افراد را در رکابش قدغن کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۹۲۳). گاهی به دلایل مختلف شاهزادگان و ملتزمین رکاب، شاه را از شکار برخی گونه‌های جانوری منع می‌کردند (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۸: ۴۱۳؛ قاضی‌ها، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در این میان عده‌ای از افراد هم حضور داشتند که در شکار شاه او را همراهی کرده و با فریاد زدن و به صدا درآوردن طبل، حیوانات وحشی را به طرف شاه رم می‌دادند که شاه به آسانی بتواند با آن‌ها روبه‌رو شده و آن‌گونه‌ها را شکار کند (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۱۴/۱).

۵.۳ شکار بی رویه و کم شدن گونه های جانوری

شکارهای پی در پی و افراط در شکار یک گونه ی خاص موجب شده بود که تعداد آن گونه به سرعت تقلیل یافته و حتی در مواردی به تعداد انگشت شماری برسد (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۹۵۲/۵). در مواقعی تعداد شکار تا اندازه ای کم می شد که شاهزادگان برای کسی که موفق به شکار آن گونه می شد، انعام تعیین می کردند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۰۱۶/۴-۳۰۱۷). مناطق خوش آب و هوا بیشتر مورد توجه و هجوم شکارچیان قرار می گرفت (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۶۹/۱؛ معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۲؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۹۵۸/۲). همین امر موجب شده بود تا شکارگاه هایی همچون جاجرود، در حوزه ی جانوری و گیاهی تا اندازه ای آسیب ببینند و فقط نامی از آن ها باقی بماند (عین السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۳۶۴/۲-۱۳۶۵). در مجموع ایام حکومت ناصرالدین شاه به دلیل رواج شکار بی رویه ی شاه و اطرافیان او، سبب شد تا شکارگری در فصل بهار در تهران و سایر ولایات قدغن شود.

در این میان یک عده به تعداد پنجاه شصت نفری بودند به نام تفنگداران خاصه و تحت ریاست تفنگدارباشی بوده و سالی صد الی دویست تومان موجب می گرفتند. (نجمی، ۱۳۶۷: ۱۸۳) در مناطقی که دارای انواع گونه های جانوری به تعداد زیاد بودند، شاهزادگان و شکارچیان به صورت شبانه روز شکارگری می کردند (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۱۴۳).

۶.۳ تعدد شکارگاه ها

از دیگر مسائل مهم و تأثیرگذار بر شکار و شکارگری؛ وجود شکارگاه های فراوان بود. منطقه ای به عنوان شکارگاه شناخته می شد که دارای تعداد زیادی از گونه های جانوری بود (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ۴۸۵). در این زمان تهران و اطراف آن مناطقی خوش آب و هوا بوده و دارای مراتع وسیع بود، از این رو مورد توجه شاه قرار گرفته و اکثر شکارهایش را در این مناطق انجام می داد. وجود شکارگاه های فراوان در تهران و اطراف آن (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۶۴) موجب شده بود که شاه و دیگر افراد هر چه بیشتر به شکار ترغیب شوند.

شکارگاه هایی از قبیل؛ دوشان تپه (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۱۳) و سواحل جاجرود به دلیل دارا بودن گونه های مختلف جانوری، سبب می شد تا شاه و ملازمان وی چند روزی را در آن جا توقف کنند (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۵۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۵۱/۲؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۸۷۳۰/۱۰). شکارگاه جاجرود از مهم ترین و اصلی ترین مناطقی بود که به دلیل وفور انواع

گونه‌های جانوری، برای شاه و سایر افراد منطقه‌ی مهمی محسوب می‌شد. هدایت آن را چنین توصیف می‌کند که: «مرز و بوم شکارگاه جاجرود به وفور صید و نزهت ارمن و غدوبت ماه و صفوت هوا معروف است و غالب اوقات به شکار گور و گوزن و اصطیاد سباع و ضباع راغب و شاغل بود.» (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۷۳۰/۱۰). شکارگاه جاجرود و دوشان‌تپه دارای تعداد زیادی از گونه‌های ارزشمند بود، از این رو شاه قاجار دائماً در این مناطق به سر می‌برد. یکی دیگر از اقامتگاه‌های تابستانی ناصرالدین‌شاه؛ شهرستانک در شمال تهران بود (بنجامین، ۱۳۶۲: ۱۴۹). در شکارگاه‌هایی که مورد توجه شاه بود، رسیدگی‌هایی صورت می‌گرفت. برای نمونه در صحرای دوشان‌تپه که آب وجود نداشت، دستور داده شد که قنات حفر کنند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۸۷/۲). همین‌طور ساخت عمارت‌ها، ساختمان‌ها (مستوفی، ۱۳۸۸: ۴۰۷/۱؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۵۶۰۸/۷)، قصرها (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۶۱/۱؛ بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۵)، ویلا (اورسل، ۱۳۸۲: ۲۹۷) و استراحتگاه در شکارگاه نیز موجب شده بود که شاه با خاطری آسوده و فراغ‌بال چند روزی را به شکارگری در این مناطق بپردازد. ناصرالدین‌شاه همیشه قبل از شکار به این استراحت‌گاه‌ها رفته و پس از استراحتی کوتاه، عازم شکار می‌شد (بنجامین، ۱۳۶۳: ۸۵).

۷.۳ توانایی جسمی و رقابت در شکار

قدرت و توانایی بدنی شاه و درباریان نیز از مسائل تأثیرگذار در امر شکارگری بود. ناصرالدین‌شاه در شکار انواع گونه‌های جانوری از توانایی بالایی برخوردار بود و از این توانایی نهایت بهره را می‌برد (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۸؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۹۹: ۳۶۷). از آن‌جا که شاه مهارت و توانایی شکار انواع حیوانات را داشت، ملازمانش نیز هم پای او به شکار می‌پرداختند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۲۲۳/۲). البته گاهی افراد زیردست شاه نیز مانعی برای شکارگری شاه شده و از تیراندازی شاه جلوگیری می‌کردند، در این موارد نیز گاهی شاه مطیع افرادش بود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۴۱۳).

از آن‌جا که شکار برای شاه و همه‌ی درباریان آزاد بود، رقابت‌هایی برای شکار بیشتر بین آنان شکل می‌گرفت که منجر به اعمال برخی از قوانین توسط شاه شده بود. از قوانینی که توسط شاه در حین شکار وضع شده بود اینکه افرادش دویست قدم عقب‌تر از او بیایند تا شاه بتواند با خاطری آسوده شکار کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۶۰۷). حسادت شاه به

اطرافیان بر سر شکارگری فقط در بین شاهان قاجار رایج نبود بلکه در دوره‌ی صفوی هم به دلیل اهمیت شکار این مسائل وجود داشته است (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۴۹۷). در شکارگری، گاه بین شاه، درباریان و حتی فراش‌ها هم رقابت وجود داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۴۶۹). در زمان ناصری رقابت‌ها زمانی حساس‌تر می‌شد که گونه‌ی ارزشمندی همچون پلنگ دیده می‌شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۳۶۲/۲-۱۳۶۳).

۸.۳ باورهای خرافی

شکارگری در این زمان با برخی از عقاید خرافی و سخنان بی‌اصل و اساس درآمیخته شده بود. یکی از عقاید شاه در رابطه با شکار؛ اعتقاد به سعد یا نحس بودن زمان شکار بود، لذا تعدادی از منجمین حضور داشتند که شاه قاجار روز و ساعت سعد و مناسب برای شکار را از آنان جویا می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۳؛ مراغه‌ای، بی‌تا: ۱۱۸) و طبیعتاً زمان بسیاری از سفرهای شکاری به دلیل همین اندیشه‌ها تغییر می‌کرد. یکی از باورهای خرافی راجع به شکار در این دوره این بود که اگر شاه هنگام شکار، شاخ حیوان شکار شده را می‌دید آن روز را خوش‌یمن می‌دانست (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۹۳).

۹.۳ گوناگونی ابزار شکار

تنوع در ابزار و وسایل شکار هم تأثیر زیادی در علاقه به شکارگری داشت. وجود انواع سلاح و ابزارآلات شکار در این دوره و همچنین انواع حیوانات شکاری همچون باز، طرلان، قرقی، پیغو و قوش (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۶۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۷۱/۱) موجب شده بود تا تنوع بسیاری در شکار انواع گونه‌ها به وجود بیاید، چرا که هر گونه‌ای را با ابزار مخصوص خود شکار می‌کردند. این ابزار سبب می‌شد تا علاقه به شکارگری هم بیشتر می‌شد. علاوه بر وفور ابزارآلات شکار در این دوره، قبله عالم به هنگام حضور در خارج از کشور (ورشو) نیز اقدام به خرید اسلحه نمود (ارفع، ۱۳۷۸: ۲۳۶). در زمان ناصرالدین‌شاه استفاده از قوش و قرقی آن‌چنان رایج بود که نه تنها شاهزادگان دارای این حیوانات شکاری بودند (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ۲۲۵)، بلکه افرادی همچون میرآخور هم به صورت شخصی توسط این حیوانات، شکارگری می‌کردند (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۹۳-۹۴). البته استفاده از حیوانات شکاری همچون باز و سگ شکاری در دوره‌های قبل‌تر همچون دوره‌ی صفویه

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۱۹۷

(کارری، بی‌تا: ۱۵۶-۱۵۷)، افشاریه (گملین، ۱۳۹۳: ۲۳۳) و در اوایل دوره‌ی قاجار (فلاندن، بی‌تا: ۷۲) هم متداول بوده است.

استفاده از پرده از وسایل رایج شکار بود بدین صورت که دو ذرع طول و یک ذرع و نیم عرض داشت، و پارچه‌ی سفیدی به آن دوخته و چوب‌هایی را به آن نصب می‌کردند، سپس با آن شکارگری می‌کردند (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۱۴۸-۱۴۹). در این زمان استفاده از تفنگ جاهری به دلیل گران بودن و وزن سنگین، خیلی رایج نبود، تفنگ‌هایی که مورد استفاده‌ی همگان قرار می‌گرفت؛ تفنگ‌های اروپایی بود که به تفنگ انگلیسی شهرت داشتند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۲۸-۱۲۹). دوربین‌های شکاری هم در دسترس شاه و اطرافیانش بود (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۲۳). ناصرالدین‌شاه مجموعه‌ی زیبایی از سلاح‌های گوناگون همچون تفنگ‌ها و طپانچه در اندازه‌های مختلف داشت که برخی از آن‌ها مزین به سنگ‌های بهادار بودند (روششوار، ۱۳۷۸: ۱۸۱). بنابراین تنوع ابزار شکار یکی از عواملی بود که سبب علاقه به شکار بیشتر در عصر ناصری می‌شد.

۱۰.۳ تحسین و تمجید

یکی از مسائلی که بر شکارگری شاه و همه‌ی اطرفیان او تأثیر پسزایی داشت، تعریف و تمجید از شکارچیان هنگام شکار بود. تشویق شکارچیان توسط دیگر افراد برای شکار گونه‌ای خاص (نایب‌الایاله، ۱۳۶۱: ۱۹۰) هم از دیگر مسائل مهم شکارگری بود. البته در مواردی اگر شخص شاه از طرف درباریان مورد تحسین و تمجید افراطی قرار می‌گرفت، موجب برآشفتن شاه می‌شد (بیانی، ۱۳۷۵: ۴۸/۱). شکارهایی که به صورت ماهرانه توسط شاهزادگان انجام می‌شد و تعجب حاضران را برمی‌انگیخت موجب شده بود که تحسین همه‌ی افراد برانگیخته شود. (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۵۵۳/۱) در مواقعی که ناصرالدین‌شاه موفق به شکار گونه‌ی مهمی همچون پلنگ می‌شد، برخی از شاهزادگان برای تمجید از مهارت شاه مبلغی را به عنوان نازشست به او هدیه می‌دادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۱۴۲). شخص شاه هم از اینکه گونه‌ی نادر را شکار کرده بود بسیار خشنود می‌شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۱۴۳) هرگاه ناصرالدین‌شاه به قصد شکار به شکارگاه می‌رفت و شمار زیادی از گونه‌های مختلف را شکار می‌کرد، برای هر یک از سفرها چند قطعه از شکارهایش را می‌فرستاد تا مورد تحسین آنها واقع شود (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۹۵۸/۲). در

کنار شاه جمعی از تفنگچیان ماهر هم حضور داشتند که شکارهای خود را به حضور شاه می‌آوردند و از شاه انعام ملوکانه می‌گرفتند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۰۱۹/۲). در مواقعی که شکار به شدت کم شده بود برخی از شاهزادگان به هر کسی که گونه‌ای را شکار می‌کرد انعام می‌دادند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۰۱۶/۴-۳۰۱۷). به این ترتیب همراهان شاه نیز تلاش می‌کردند تا با شکار کردن گونه‌های مختلف مراتب تحسین شاه از خود را فراهم آورند.

۱۱.۳ مدت زمان توقف در شکارگاه‌ها

ناصرالدین شاه نه ماه از سال را به سفرهای کوتاه برای شکار می‌گذراند (وامبری، ۱۳۷۲: ۳۰۴). شاه و درباریان زمانی که به قصد شکار به شکارگاه می‌رفتند، مدتی را در آن منطقه اتراق می‌کردند. معمولاً شکارهای ناصرالدین شاه زیاد به طول می‌انجامید، اما گاه به دلایل سیاسی مدت توقف در مناطق مختلف تغییر می‌کرد. هنگام ورود سفرای خارجی، طبق تشریفات درباری، شاه باید سفر را حداکثر پس از سه روز به حضور بپذیرد و اگر این مدت به طول می‌انجامد به منزله‌ی توهین به آن کشور قلمداد می‌شد (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۶۵/۱). بنابراین گاهی پس از چند روز شکارگری در این مناطق به همراه خواص رجال و خدم به مقر حکومت برمی‌گشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۵۱/۲). مدت زمان توقف شاه و اطرافیانش ثابت نبود اما اغلب متجاوز از یک هفته نبود (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۱؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴: ۳۰۰۴/۴؛ روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۴: ۳۰۱/۱). اما گاهی شاهزادگانی همچون ظل السلطان که وقت زیادی را صرف شکارگری می‌کرد، مدت چهل روز را در برخی شکارگاه‌ها توقف کرده و گونه‌های بسیاری را شکار می‌کرد (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۶۴؛ سیاح، ۱۳۴۶: ۴۲). رسم اتراق در شکارگاه‌ها از آدابی بود که در ابتدای دوران قاجار نیز مرسوم بوده است (شیل، ۱۳۶۲: ۵۵). در فصل تابستان شاه صاحبقران با زنان حرمسرا برای شکار به نقاط دور از پایتخت می‌رفت (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۴۸)، اما مهم‌ترین شکار سلطنتی سالی یکبار در اواخر ماه دسامبر بود که شاه برای شکار به دره‌ی جاجرود می‌رفت (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۰).

۴. اهداف شکار در عصر ناصری

گرچه شکار هر گونه‌ی جانوری برای شاه و دیگر افراد مسروربخش بود اما شکار گونه‌های نادر برای شاه بسیار غرورآفرین بود و در این میان هیچ توجهی به نادر بودن و انقراض آن

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۱۹۹

گونه نمی‌شد (روزنامه‌ی ایران، ۱۳۷۴: ۱/۲۷۷). شکار در عصر ناصری تنها برای سرگرمی نبود، بلکه اهداف دیگری نیز داشت که عبارت بودند از:

۱.۴ تمرین مهارت

یکی از کاربردهای شکار در دوره‌ی قاجار، شکارگری برای کسب مهارت بود. شاهان، شاهزادگان و همه‌ی افرادی که با شاه در ارتباط بودند، هر روزه تعداد زیادی از گونه‌های جانوری را شکار می‌کردند که این مسئله باعث شده بود مهارت فوق‌العاده‌ای در زمینه‌ی شکارگری کسب کنند. ایرانی‌ها در شکار انواع گونه‌های جانوری بسیار زبردست بودند و مهارتشان باعث شده بود که رغبت بیشتری برای شکار داشته باشند. شکار انواع گونه‌های جانوری برای شاه و درباریان، علاوه بر اینکه یکی از سرگرمی‌های لذت‌بخش محسوب می‌شد، راهی برای کسب مهارت بود. بنابراین شکار در برنامه‌ی روزانه‌ی شاه و اطرافیانش قرار گرفته بود.

ناصرالدین‌شاه در شکار حیوانات از مهارت بالایی برخوردار بود (بیانی، ۱۳۷۵: ۵۰/۱؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۶۷: ۱۳) و به اذعان برخی منابع در تیراندازی‌بازند خاص و عام بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۲۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۲) وی به گونه‌ای گلوله را به هدف می‌زد که حتی بهترین شکارچی‌ها هم متحیر می‌شدند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۳۲؛ روششوار، ۱۳۷۸: ۱۸۰). شکار برای شاه منحصر و محدود به زمان خاصی نبود، بلکه یکی از برنامه‌های ثابت بود که هر روز انجام می‌شد. شاه معمولاً بصورت انفرادی به پرندها تیراندازی می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۲). مهارت ناصرالدین‌شاه به حدی رسیده بود که در بیشتر مواقع پرندگان در حال پرواز را به خوبی می‌زد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۰: ۲۴۶-۲۴۷، ۲۸۰؛ ناصرالدین‌شاه قاجار، ۱۳۸۹: ۵۴). و پرندگان کوچک را حتی از فاصله‌ی دور به خوبی شکار می‌کرد (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۴۴-۱۴۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/۲۹) و گاهی با یک تیر، تعداد زیادی از پرندگان را روی هوا می‌زد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۲۷۶) شکار پرندگانی مانند بلدرچین در هوا به سهولت انجام نمی‌شد و فقط در صورت تمرین و ممارست میسر می‌شد. اما برای ناصرالدین‌شاه که روزانه تعداد بی‌شماری از پرندگان را شکار می‌کرد، به راحتی انجام می‌شد. شاه اغلب بصورت سواره و با دست چپ به طرف شکار تیراندازی می‌کرد و اینگونه هنر خود را در معرض نمایش می‌گذاشت (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۴۲؛

عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۸۶/۱-۱۸۷). شاه و اطرافیان‌ش آمادگی رویارویی با هر گونه‌ی جانوری را داشتند، گاهی با هدف شکار پرنده به شکارگاه می‌رفتند اما با حیواناتی مانند پلنگ و خرس مواجه شده و اقدام به شکار آن گونه‌ها می‌کردند (روزنامه ایران، ۱۳۷۴: ۱/۱؛ مخبرالسلطنه، ۱۳۸۵: ۷۱) برای شاه و سایر ملتزمین، شکار درنده‌ترین حیوانات امری عادی بوده و شکار یک حیوان وحشی مانند خرس به سهولت شکار یک خرگوش بود (فووریه، ۱۳۸۵: ۱۵۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۲۹/۱). توانایی شاه قاجار به حدی رسیده بود که گاه حیواناتی از قبیل گورخر زنده را با دست می‌گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳). عین‌السلطنه در این خصوص می‌گوید تبحر در این زمینه کسب نمی‌شود مگر با تمرین و تکرار بسیار. هم‌چنین در رابطه با مهارت مظفرالدین‌شاه می‌گوید که وی بسیاری از پرندگان را در هوا شکار می‌کرد اما تبحر شکارگری او پایین‌تر از ناصرالدین‌شاه بود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۲۲۳/۲).

در این میان شاهزادگانی بودند که در رکاب شاه بوده و پایه‌پای او شکارگری می‌کردند (شیبانی، ۱۳۷۴: ۲۰۴) و حتی گاهی از شاه پیشی می‌گرفتند. یکی از این شاهزادگان، ظل‌السلطان فرزند ارشد ناصرالدین‌شاه بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۹۰) و در هر سفری که به مناطق مختلف داشت، تعداد بسیار زیادی از انواع حیوانات را شکار می‌کرد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۴۶، ۲۶۹، ۲۷۵). این شاهزاده به دلیل شکارهای متعددی که داشت مهارت فوق‌العاده‌ای کسب کرده بود و برخی شکارهایش را به صورت سواره و در سر تاخت اسب می‌زد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۱۴۳، ۱۵۰). از دیگر شاهزادگان، عین‌السلطنه بود که در اثر تمرین‌های روزانه به مهارت فوق‌العاده‌ای در زمینه‌ی شکار پرندگان و دیگر حیوانات دست یافته بود و با یک تیر چند شکار را هم‌زمان می‌زد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۸۱-۳۵، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۴۱). شاهزاده عزیزالسلطان هم به مهارت خود در شکار که به صورت سواره و شکار از راه دور بوده اشاره کرده است (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۵۸/۱ و ۲۱۴). البته در بین نزدیکان شاه، برخی رجال درباری بودند که در زمینه‌ی شکارگری، مهارت و توانایی نداشتند، رجالی از قبیل اعتمادالسلطنه که در ابتدا فاقد توانایی و مهارت در زمینه‌ی شکارگری بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۶۸۵) اما در اثر ممارست به توانایی دست یافته و به شکار علاقمند شده بود (همان: ۸۱۳). از آن‌جا که شکار برای همه مجاز بود و حتی افراد فرودست هم اجازه‌ی شکار در رکاب شاه را داشتند، این مسئله باعث شده بود که کسانی از قبیل

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۱

پیشخدمت‌ها و امیرآخور هم در اثر شکارهای مکرر به مهارت دست پیدا کنند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۸/۱، ۳۰؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۱۶).

۲.۴ شناسایی گونه‌های جانوری جدید

شکار برخی از گونه‌های جانوری با هدف آگاهی نسبت به آن‌گونه بود. یعنی در برخی مواقع حیوانی شکار می‌شد تا به این وسیله، آن گونه جدید از نزدیک مشاهده شود و نوع آن گونه شناخته شود (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۵۷). در چنین مواقعی در هنگام شکار، شاه، شاهزادگان و دیگر افراد با یکدیگر رقابت تنگاتنگی داشتند و در صورت مشاهده‌ی یک گونه جدید، بصورت همزمان آن را مورد هدف قرار می‌دادند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۹۰/۱).

۳.۴ کارکرد معیشتی (تأمین آذوقه)

از دیگر اهداف شکار، استفاده از گوشت شکار برای تغذیه بود. خوردن گوشت شکار پیش از دوره‌ی قاجار هم رایج بوده است و از گوشت شکارهایی همچون غزال، آهو، قوچ و بز غذا تهیه کرده و می‌خوردند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۷۴). همینطور از گوشت گورخر وحشی، آهو و کبک قرمز هم استفاده می‌شد (بن‌تان، ۱۳۹۰: ۹۵). حیواناتی که توسط شاه یا همراهانش شکار می‌شد، در دو نوع حلال‌گوشت و حرام‌گوشت بود. بسیاری از پرندگان و حیوانات حلال، بعد از شکار شدن به مصرف می‌رسیدند. زمانی که اردوی شاه برای شکار به مناطق مختلف می‌رفت، در طول مسیر از گوشت شکار استفاده می‌کردند و غذای شاه و همراهانش از پرندگان و دیگر شکارها تأمین می‌شد. البته استفاده از گوشت شکار همیشه هم از سرناچاری نبود، بلکه گاهی تنها دلیل شکار یک گونه‌ی جانوری، بهره‌بردن از گوشت لذیذ آن بود. از گوشت گونه‌هایی همچون آرغالی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۳۹۱-۳۹۲)، قرقه (نوعی مرغ صحرائی) و تیهو (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲۹۵/۱)، کبک و قرقاول (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۴۹)، شوکا (گاو کوهی)، مرال، کلاغ و قوچ (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۶، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۷۴)، گوزن (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۲۸)، آهو (نایب‌الایاله، ۱۳۶۱: ۱۹۰؛ معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۸۷؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۷۲-۷۴)، گنجشک کوهی (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۲۱۸)، میش (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۰۸۲/۲) و ایبا (نوعی پرندۀ با نوک و پای دراز و گوشتی لذیذ) (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۵۷۹/۲) برای تهیه غذای لذیذ استفاده می‌شد. این

گونه‌ها یا کباب می‌شدند و به مصرف می‌رسیدند یا طبخ مخصوص (نوائی، ۱۳۶۱: ۳۲؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۲۳۸) از آنها غذاهایی نظیر کتلت می‌پخت (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۱۳۰). در زمان شاهان قاجار خوردن گوشت شکار نه تنها در بین ایرانیان رواج داشت، بلکه فرنگی‌های حاضر در ایران نیز از گوشت شکار به عنوان غذا استفاده می‌کردند (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۴۱). البته به دلیل معتقد نبودن به مسائل دینی، خوردن هر نوع حیوانی برای آنان منعی نداشت و حتی از گوشت حیوانات حرام گوشت هم استفاده می‌کردند. در عصر ناصری گاه فرنگی‌ها برای شکار به برخی از مناطق رفته و به دلیل نبود مواد غذایی، مجبور به استفاده‌ی مکرر از گوشت یک گونه‌ی جانوری بودند (روشوار، ۱۳۷۸: ۳۰). البته در بیشتر مواقع فرنگی‌ها هم از خوردن گوشت شکارهای حلالی همچون گوزن (وامبری، ۱۳۷۲: ۵۵) و برخی پرندگان (دیولافوا، ۱۳۷۶: ۹۱؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۱۳۵؛ مکنزی، ۱۳۵۹: ۹۳-۹۴) لذت می‌بردند.

استفاده از گوشت شکار، تنها برای افراد کاربرد نداشت، بلکه اکثر حیوانات شکاری هم از گوشت گونه‌های شکار شده تغذیه می‌کردند. شاهان و همراهانش به هنگام شکار، تعداد زیادی از تازی‌ها و قوش و قرقی‌ها را با خود همراه می‌بردند و بسیاری از گونه‌های جانوری که توسط این حیوانات شکار می‌شد به عنوان غذایشان استفاده می‌شد. در واقع همزمان با شکار شاه و دیگر شکارچیان، این حیوانات هم آزادانه به شکار گونه‌های دلخواه خود می‌پرداختند. در برخی مواقع هم شاهزادگان حیوانی را شکار کرده و به تازی‌ها داده تا از آن تغذیه کنند. گونه‌هایی همچون کبک، خرگوش، بز، یلبه، روباه، طرچه، فره کبک، قرقاول و بلدربچین (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۳۰، ۴۹-۵۲، ۳۴۳، ۴۶۴، ۴۷۳؛ معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸، ۱۸۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۱؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۹۳-۹۴) از جمله حیواناتی بودند که حیوانات شکاری از آنها تغذیه می‌کردند.

۴.۴ دفع خطر (کشتن برای کشته نشدن)

از آنجا که شاهان قاجار و ملازمان‌شان، زمان زیادی را مشغول شکارگری در مناطق مختلف بودند، طبیعتاً در این راه خطراتی متوجه‌شان می‌شد. از این رو یکی دیگر از دلایل شکار و کاربردهای آن، برای دفع خطر آن‌ها بود. هرگاه شاه و همراهانش با هدف شکار و تفریح به مناطق مختلف می‌رفتند و شب را در آنجا اتراق می‌کردند، طبیعتاً بسیاری از

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۳

گونه‌های جانوری خطرناک جان آنها را تهدید می‌کرد، بنابراین برای جلوگیری از خطرات احتمالی باید تدابیری می‌انداشیدند. زمانی که شاه و افرادش به شکارگاه‌ها می‌رفتند، شب را در عمارت‌های گذرانده‌اند. اما در مواقعی که به کوه یا دشت‌های باز می‌رفتند، هنگام شب اطراف خود را محصور می‌کردند تا از ورود حیوانات وحشی همچون خرس جلوگیری کنند (آریا، ۱۳۷۶: ۶۷-۶۸). در بسیاری از مواقع شاه قاجار تنها برای رفع خطر یک گونه‌ی جانوری همانند پلنگ را شکار می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۴۸۲/۱). شکارچیان به هنگام اتراق در مناطق مختلف گاهی با مار و رطیل (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۴۸/۱، ۱۶۳، ۲۰۷؛ ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۸۱؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۶۹/۱) نیز مواجه می‌شدند و طبیعتاً برای دفع خطرشان باید این موجودات را از بین می‌بردند. هرگاه که خطر در کمین هم‌هی افراد بود و یک گونه‌ی جانوری جان آن‌ها را تهدید می‌کرد، توسط شاه، شاهزادگان یا پیشخدمت‌ها شکار می‌شد.

۵.۴ هدیه دادن شکار

از دیگر اهداف مهم شکار در دوره‌ی قاجار، فرستادن گونه‌های جانوری به عنوان خلعت برای افراد مختلف بود. برای هدیه دادن به سفرای خارجی، از گونه‌هایی که ارزش هدیه‌ای داشتند استفاده می‌شد. فرستادن گوشت شکار به عنوان هدیه در بین هم‌هی افراد یعنی شخص شاه، شاهزادگان و حتی افرادی همچون رعایا، رسمی رایج بود. یکی از اهداف فرستادن شکار، اظهار ارادت، ابراز عواطف و عنایات شاهانه بود و اگر این رسم از طرف شاه ترک می‌شد دلیلی بر نارضایتی خاطر شاه بود (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۲). حیوانی که توسط شاه شکار شده بود برای او بسیار ارزشمند بود و آن را به هر کسی نمی‌بخشید، تنها گاهی آنها را برای برخی از سفرای خارجی می‌فرستاد (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۷۸؛ وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۹۵۸/۲). شکارهایی که برای فرنگی‌ها فرستاده می‌شد، قطعاً با اهداف سیاسی همراه بود. البته شاه در برخی مواقع شکار خود را برای ولیعهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۶۷)، شاهزادگان (همان: ۳۹۹، ۷۲۸) و افرادی همچون ملیجک (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۱۸۱) نیز به عنوان هدیه می‌فرستاد. نوع شکارهایی که برای هر یک از افراد فرستاده می‌شد متفاوت بود. در مقابل، افرادی مانند شاهزادگان (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۰: ۱۴۸) و مردمان عادی (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۴۹/۱، ۸۰۵-۸۰۶؛ همو، ۱۳۷۶: ۱۱۸۷/۲) نیز شکار خود را به شاه

هدیه می‌کردند. استفاده از شکار به عنوان هدیه در میان شاهزادگان و درباریان نیز رایج بود و آنها برای ابراز ارادت خود برای همدیگر شکارشان را می‌فرستادند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۴۴/۱، ۵۳-۵۴، ۴۲۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۸۵۳؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۶۴، ۱۵۱). گاهی نیز به همراه شکار، ابزار شکار هم به عنوان هدیه فرستاده می‌شد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۵۹). فرستادن شکار برای سفرای خارجی از طرف شاهزادگان هم باب بود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۲۰، ۲۸۰، ۲۸۹). از دیگر افرادی که شکار خود را به نشانه‌ی ارادت به شاهزادگان هدیه می‌دادند، رعایا و مردم عادی بودند (شیبانی، ۱۳۷۴: ۲۲۴؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۴۹۸/۲). حتیگاهی حیواناتی که توسط مردمان عادی شکار شده بود برای سفرای خارجی فرستاده می‌شد (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲۵۸۰/۴).

کسی که گوشت شکار را برای افراد مختلف حمل می‌کرد و به دستشان می‌رساند، مبلغی در حدود پنج تا بیست تومان انعام دریافت می‌کرد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۳۲). افزون بر آن، یکی از رسوم رایج در دوره‌ی قاجار، دادن نازشست به هنگام شکار بود. نازشست، انعامی بود که به پاداش هنرنمایی در شکار به کسی می‌دادند یا پیشکشی بود که نزدیکان شاه و امیر هنگامی که وی شکاری را با تیر می‌زد یا درنده‌ای را به دست خود می‌کشت به وی تقدیم می‌شد (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۸۶: ۱۸۹۴/۲). زمانی که شاه برای شکار می‌رفت و بسیاری از گونه‌های جانوری را شکار می‌کرد، از طرف هر یک از اطرافیانش مبلغی را به عنوان پاداش دریافت می‌کرد که مورد قبول او قرار می‌گرفت (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۱۴/۱؛ عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۱۹۳/۲). شاه هم در حین شکار به شکارچیان، تیراندازان و ملتزمین رکابش انعام می‌داد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۴: ۲۷۷۹/۴). در برخی مواقع نیز در کنار پولی که داده می‌شد، هدیه‌هایی همچون اسب‌های ممتاز (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲: ۱۹۰)، تفنگ‌های گلوله‌زنی بسیار اعلی، تفنگ چهارپاره نمره ۱۰ و شمشیر مرصع نمره‌ی اول خلعت داده می‌شد (همان: ۲۷۲). البته دادن نازشست فقط برای شاه نبود، بلکه شاهزادگان هم در هنگام شکار به هرکسی که تعدادی از گونه‌های جانوری را شکار کرده بود پاداش می‌دادند. این افراد حتی شامل رعایا هم می‌شد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۰۱۶-۳۰۱۷؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳۲۶۳-۳۲۶۴). شاهزادگان برای شکار دوستانشانهم نازشست می‌فرستادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷: ۷۵۹). شاه در برخی فصول سال برای شکار گونه‌های کمیاب همچون کبک دری به شکارگاه‌ها می‌رفت و مدت زیادی را در جستجوی یافتن آن گونه صرف می‌کرد و پس از یافتن، آن گونه را به عنوان هدیه برای رجال مورد توجه

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۵

می‌فرستاد (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۴/۲). در واقع بخش اعظمی از شکارها با هدف هدیه دادن آن گونه‌ها شکار می‌شد.

۶.۴ درآمدزایی از شکار

گروهی از مردمان عادی هم بودند که از راه شکار درآمد کسب می‌کردند، بدین صورت که هرگاه گرگ‌ها به گله‌های گوسفند چوپانان حمله کرده، خسارات زیادی را بر آنان وارد می‌کردند و چوپانان توانایی مقابله با آن‌ها را نداشتند، عده‌ای از افراد بودند که در ازای از بین بردن این گونه حیوانات از چوپانان مبلغی دریافت می‌کردند و این‌گونه کسب درآمد می‌کردند (هدین، بی‌تا: ۴۱۷-۴۱۸). یکی دیگر از آداب‌ی که در شکارگری رایج بود خریداری گونه‌های شکار شده‌ی دیگران بود. برخی شاهزادگان، حیواناتی که توسط دیگر افراد شکار شده بود را به مبلغی معین خریداری می‌کردند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۹۲/۱).

از دیگر منافع و کارکردهای شکار برای افراد عادی، استفاده از پوست حیوانات شکار شده بود. شاه و اطرافیان او در برخی مواقع علاوه بر استفاده از گوشت حیوانات، از پوست آن‌ها هم بهره می‌بردند، گاهی حیواناتی مانند خرسو روباه را که شکار می‌کردند، پوست آن را جدا می‌کردند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۵-۶۲۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۸۰/۴) و به فروش می‌رساندند. پوست شکار برای افراد عادی به عنوان یک منبع درآمد بود. درواقع عده‌ای از افراد برخی گونه‌ها را شکار می‌کردند تا از فروش پوست آن درآمدی کسب کنند. البته پوست هر حیوانی برای دباغی کردن مناسب نبود و تنها پوست برخی گونه‌ها همچون گورخر و آرغالی برای دباغی کردن و فروش به کار می‌آمد (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۲۸). اهالی برخی مناطق نیز در زمستان، گونه‌هایی مانند روباه و دله را با تفنگ و تله شکار می‌کردند و پوست آن‌را با قیمتی گزاف به ارامنه و یهود می‌فروختند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۸۰/۴).

شرط‌بندی بر سر شکار از دیگر آداب‌ی بود که توسط برخی شاهزادگان انجام می‌شد. بدین صورت که قبل از شکار با یکدیگر شرط می‌کردند که چند عدد از یک گونه‌ی جانوری را شکار کنند، اگر از عهده‌ی انجام آن برمی‌آمدند که شرط را برده بودند و در غیر این صورت چیزی را در ازای باختن شرط از دست می‌دادند. ظل‌السلطان از شاهزادگانی بود که بر سر شکار با خیلی از دیگر شاهزادگان شرط می‌گذاشت. وی می‌گوید

یکروز با ایلخانی شرط بستم که اگر من یکصد عدد کبک و خرگوش بزنم تا شام، او یک اسب به من پیشکش بدهد و اگر نزد من اسب کهر دولت بای ترکمانی خودم را بدهم. آن روز سعی بسیار کردم ولی بیشتر از پنجاه و چهار قطعه کبک و خرگوش زده نشد. اسب را با یک طپانچه رولور به جناب ایلخانی که باخته بودم دادم. (ظل السلطان، ۱۳۶۲: ۱۴۵، ۲۶۹).

۷.۴ طعمه کردن شکار

یکی دیگر از کاربردهایی که شکار داشت، استفاده از حیوانات شکار شده برای به دام انداختن سایر گونه‌ها بود. به عنوان مثال، گاهی حیواناتی همچون خرس را که شکار کرده بودند، در محیطی باز رها می‌کردند تا بوسیله‌ی آن گونه‌هایی همچون لاشخورها را شکار کنند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۶۲۴).

۵. پیامدهای شکار بی رویه در عصر ناصری

شاه، شاهزادگان و همه‌ی اطرافیان او از روند تخریب محیط‌زیست جانوری مطلع بودند زیرا بواسطه‌ی شکارهای بی‌رویه و وفور شکارچی (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۱۸۷)، به مرور از تعداد گونه‌های جانوری کاسته شده و همه از این موضوع اطلاع داشتند، تاجایی که شاهزادگان به این مسئله اقرار کردند که در برخی شکارگاه‌های مهم حتی یک مورد گونه‌ی جانوری هم یافت نشده که شکار کنند (همان، ۱۳۷۷: ۵/۳۹۵۲)، اما با این وجود هیچ اقدامی برای ممانعت از تخریب بیشتر زیست جانوری نکردند، چرا که درکی از محیط‌زیست به مثابه یک مسئله وجود نداشت.

باوجود اینکه برخی افراد توسط شاه مسئول مراقبت از باغ‌وحش و برخی از گونه‌های جانوری بودند، اما این محافظت برای حفظ گونه‌های جانوری از آسیب نبود و احتمالاً می‌خواستند این گونه‌های جانوری را دیگران شکار نکنند تا افتخار شکار آنها نصیب شخص شاه شود. البته با وجود داشتن مسئولیت، محافظان کار خود را نیز به درستی انجام نمی‌دادند و این امر برای آنها مسئله‌ی مهمی نبود، تا آنجا که گونه‌های موجود در باغ‌وحش‌ها به دلیل قصور و کوتاهی کردن متصدیان مربوطه، به تدریج تلف می‌شدند (نجمی، ۱۳۶۷: ۲۵۰). هم‌چنین برخی از پلیس‌هایی که مسئول قداغ کردن شکار در قرق‌گاه‌ها بودند و از

شکار گونه‌های جانوری توسط دیگران جلوگیری می‌کردند، خودشان به شکار حیوانات می‌پرداختند (معیرالممالک، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۶. نتیجه‌گیری

شکارگری در زمان اکثر شاهان قاجار رایج بوده است، اما در عصر ناصری توجه ویژه‌ای به آن می‌شد، زیرا ناصرالدین‌شاه بیش از هر چیزی به تفریح و سرگرمی مشغول بود و دوران طولانی حکومت او نیز بستر و زمینه‌ای را فراهم می‌کرد که به مسائلی غیر از امورات سیاسی و حکومت‌داری بپردازد. البته در کنار شخص شاه و شاهزادگان، تعداد زیادی از درباریان و مردم عادی این دوره نیز به تفریح و شکارگری سرگرم بودند. در این پژوهش مجموعه‌ای از کتب، روزنامه‌ها، خاطرات و اسناد بررسی شد که نتایج حاصل از آن بیانگر این بود که رشته‌ای از عوامل بر روند شکارگری شاه و ملتزمین رکابش تأثیرگذار بوده‌اند، عواملی از قبیل: آب‌وهوا که یکی از مهم‌ترین مسائل در خصوص شکار بود. زیرا شکار هر گونه‌ی جانوری در فصلی از سال انجام می‌شد و زمان ویژه‌ی خود را می‌طلبد. وجود قرق‌گاه‌ها هم از دیگر مسائل مهم بود، زیرا در برخی از شکارگاه‌ها، به سبب شکار دیگران، شکار شاه و درباریان با خلل مواجه می‌شد. توجه به زمان شکار و باور به سعد یا نحس بودن زمان شکار هم از مسائلی بود که در روند شکارگری شاه تغییر ایجاد می‌کرد. همچنین حضور شکارچیان مختلف در شکارگاه‌ها، شکار حیوانات را سخت‌تر می‌کرد و حیوانات با دیدن شکارچی می‌گریختند، گاهی هم همراهی تعداد زیادی از درباریان با شاه موجب شده بود که شکار شاه با مشکل روبه‌رو شود. شکارهای پی‌درپی و افراطی، تعداد گونه‌های جانوری را به سرعت تقلیل داده و همین مسئله در شکار شاه و درباریان هم تأثیر می‌گذاشت. در این میان برخی از عواملی که شاه و ملتزمین را به شکار ترغیب می‌کرد، وجود شکارگاه‌های فراوان بود و هم‌بطور بنای اقامتگاه در شکارگاه‌ها. از دیگر مسائل تأثیرگذار در امر شکار، توانایی جسمی شاه و دیگر شکارچیان بود، زیرا شکار برخی از گونه‌ها همچون پلنگ قدرت جسمی بالایی را می‌طلبد. در این میان تنوع در ابزارآلات شکار، علاقه‌ی شکارچیان به شکار را دوچندان کرده بود. از عوامل دیگر که به شاه و شکارچیان انگیزه‌ی مضاعف می‌داد تحسین و تمجیدی بود که پس از یک شکار موفقیت‌آمیز نصیب آن‌ها می‌شد. شکار و شکارگری در عصر قاجار کارکردهای زیادی داشته

است، گرچه نخستین هدف شکارگری در این دوره سرگرمی و تفریح بود، اما حقیقت امر این است که علاوه بر تفریح و گذران اوقات فراغت، تمرین روزانه‌ی شکارگری برای دستیابی به تبحر هر چه بیشتر و تقویت توان نظامی، ارضاء حس سلحشوری و نشان دادن قدرت شکارگری به دیگران، استفاده از گوشت لذیذ شکار و تأمین آذوقه‌ی شاه و لشکریان در مواقعی که دسترسی آسان به غذا وجود نداشت، تأمین غذای حیواناتی مانند سگ‌های تازی، قوش و قرقی از همین گوشت شکار، دفع خطرات احتمالی که از طرف برخی حیوانات متوجه شاه و همراهانش می‌شد، ابراز عواطف و حفظ روابط خارجی با فرستادن حیوانات شکار شده به عنوان هدیه و حتی کسب درآمد برخی افراد از طریق تجارت پوست این گونه‌های شکار شده، از کاربردهای شکار بوده است.

پی‌نوشت

۱. جاجرود دره‌ای در چهار فرسخی طهران به راه مازندران و شکارگاه معروف و مخصوص سلاطین قاجار بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۸۹۴/۴).

کتاب‌نامه

- آدینه‌وند، مسعود و دیگران (۱۳۹۵)، «تحلیل پدیده‌ی شکار سلطنتی در عصر قاجار»، گنجینه‌ی اسناد، سال بیستم و ششم، دفتر چهارم، صص ۴۲-۶۳.
- آریا، محمدحسین (۱۳۷۶)، *لرستان در سفرنامه‌ی سیاحان*، تهران: فکرروز.
- ارفع‌الدوله، میرزا رضاخان (۱۳۷۸)، *خاطرات پرنس ارفع*، به کوشش علی دهباشی، تهران: شهاب ثاقب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، «المآثر و الآثار»، چهل سال تاریخ ایران، گنجینه‌ی اسناد تاریخ ایران در دوره‌ی پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد ۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳)، *روزنامه مرآت‌السفر و اردوی همایون*، بخط میرزا محمدرضا کلهر، جلد ۱، با مقدمه ایرج افشار و عبدالله فرادی، تهران: گلشن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *مرآة‌البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد ۴، تهران: دانشگاه تهران.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۰۹

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷)، *مرآت البلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، جلد اول تا چهارم، تهران: موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۷۷)، «*روزنامه‌ی خاطرات*» اعتماد السلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره‌ی ناصر، مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ه. ق، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل الملک*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

امانت، عباس (۱۳۸۳)، *قبله‌ی عالم*، ناصرالدین شاه و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.

اوین، اوژن (۱۳۶۲)، «*ایران امروز*»، سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران ۱۹۰۶-۱۹۰۷، ایران و بین‌النهرین، ترجمه و حواشی و توضیحات: علی اصغر سعیدی، تهران: نقش جهان.

اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه‌ی قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه‌ی مهندس کردبچه: اطلاعات. بن تان، آگوست (۱۳۹۰)، *سفرنامه‌ی آگوست بن تان*، ترجمه منصوره نظام‌مافی اتحادیه.

بنجامین، س. ج. و (۱۳۶۳)، «*ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*»، نخستین سفیر ایالات متحده‌ی آمریکا در ایران، ترجمه مهندس محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.

بیانی، خانابا (۱۳۷۵)، «*پنجاه سال تاریخ ایران در دوره‌ی ناصر مستند به اسناد تاریخی و آرشیوی*»، چهره و سیمای راستین ناصرالدین شاه، جلد ۱ و ۲، تهران: علم.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

تاج السلطنه (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

تاورنیه (۱۳۳۶)، *سفرنامه‌ی تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، اصفهان: کتابخانه سنایی.

چریکف (۱۳۵۸)، *سیاحت‌نامه‌ی مسیو چریکف*، به کوشش علی اصغر عمران، ترجمه آبکار مسیحی، ۳، زیر نظر ایرج افشار، تهران: مجموعه‌ی منابع و اسناد تاریخی دوره‌ی قاجار.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه و نگارش آقای فرهوشی مترجم همایون، تهران: ابن سینا: امیرکبیر.

دریکوندی، رضا و مصطفی ندیم (۱۳۹۸)، «تحلیل و بررسی جایگاه شکار سلطنتی و کارکردهای متنوع آن در عصر صفوی»، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال هشتم، شماره‌ی اول، صص ۶۹-۹۹.

دو روششوار، کنت ژولین (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه‌ی مه‌ران توکلی، تهران: نی. دوران، سرتی‌مور (۱۳۴۶)، «سفرنامه‌ی دوران»، مربوط به هیات سرتی‌مور دوران‌د وزیر مختار انگلیس در ایران، ترجمه‌ی علی‌محمد ساکی، خرم‌آباد: کتاب‌فروشی محمدی. دوسرسی، کنت (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹* (۱۲۵۶-۱۲۵۵ ق)، ترجمه‌ی احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

دیولافوا، مادام ژان (۱۳۷۶)، *سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش ۱۸۱۴-۱۸۱۶*، ترجمه‌ی ایرج فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.

روزنامه ایران (۱۳۷۴)، جلد اول، شماره‌ی ۲۰۸-۱، کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، با همکاری مرکز تحقیقات رسانه‌ها، تهران: کتابخانه‌ی جمهوری اسلامی ایران.

روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۳۷۳)، جلد ۴ تا ۱، ۱۳۰-۱، کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران.

سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه‌ی علی‌اصغر سعیدی، تهران: نقش جهان.

سیاح، محمدعلی (۱۳۴۶)، *خاطرات حاج سیاح*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر. شهیدانی، شهاب و دیگران (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیلی بر آداب و اخلاق شکار حیوانات در عصر صفویه»، *تاریخ‌نامه‌ی ایران بعد از اسلام*، سال یازدهم، شماره‌ی بیست و دو، صص ۱۰۵-۱۲۸. شیبانی، بصیرالملک (۱۳۷۴)، *روزنامه‌ی خاطرات بصیرالملک شیبانی*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.

شیبانی، بصیرالملک (۱۳۷۴)، *روزنامه‌ی خاطرات بصیرالملک شیبانی ۱۳۰۶-۱۳۰۱ ه.ق در روزگار پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار*، به کوشش ایرج افشار- محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.

شیل، لیدی (۱۳۶۲)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو. عزالدوله و ملکونوف (۱۳۶۳)، *سفرنامه‌ی ایران و روسیه «نواحی شمال ایران»*، به کوشش محمد گلبن- فرامرز طالبی، تهران: دنیای کتاب.

عزیزالسلطان، ملیجک ثانی (۱۳۷۶)، *روزنامه‌ی خاطرات*، گردآورنده محسن میرزایی، چاپ اول، تهران: زریاب.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۱۱

عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا سالور (۱۳۷۴)، *روزنامه‌ی خاطرات*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، جلد ۱ تا ۱۰، تهران: اساطیر.

فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه‌ی فریزر معروف به سفر زمستانی*، از مرز ایران تا تهران و دیگر مرزهای ایران، ترجمه‌ی دکتر منوچهر امیری، تهران: توس.

فلاندن، اوژن (بی‌تا)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
فووریه، ژوانس (۱۳۸۵)، «سه سال در دربار ایران»، از ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری، ترجمه‌ی عباس اقبال، تهران: علم.

قاضی‌ها، فاطمه (۱۳۸۹)، *گزارش شکارهای ناصرالدین‌شاه ۱۲۷۹-۱۲۸۱ ه.ق.*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

قنبری، زهرا و توران طولابی (۱۳۹۹)، «شکار حیوانات توسط اشراف قاجار و پیامدهای زیست‌محیطی آن»، تاریخ و فرهنگ دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجاه و دو، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۴۰.

قنبری، زهرا و سهم‌الدین خزایی (۱۴۰۰)، «فرق و امنیت شکار در عصر ناصری»، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ، سال سیزدهم، شماره‌ی پنجاهم، صص ۱-۲۵.
کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، جلد ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

مارکام، کلمنت (۱۳۶۷)، *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه گونه‌ای از میرزا رحیم فرزانه، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرهنگ ایران.

مته، رودی (۱۳۹۹)، *تفریحات ایرانیان (منحدرات و مسکرات از صفویه تا قاجاریه)*، ترجمه منانی صالحی علامه، چاپ سوم، تهران: نامک.

مخبرالسلطنه، حاج مهدی‌قلی هدایت (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات*، چاپ ششم، تهران: زوار.
مخبرالسلطنه، حاج مهدی‌قلی هدایت (بی‌تا)، *گزارش ایران*، به اهتمام محمدعلی صوتی، تهران: نقره.
مراغه‌ای، زین‌العابدین (بی‌تا)، *سیاحتنامه‌ی ابراهیم‌بیک*، چاپ قاهره.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجار از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه*، جلد ۱، تهران: زوار.

مسعود میرزا، ظل‌السلطان (۱۳۶۲)، «تاریخ سرگذشت مسعودی»، *زندگی‌نامه و خاطرات ظل‌السلطان*، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.

معیرالممالک، دوستعلی‌خان (۱۳۶۱)، *یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، تهران: تاریخ ایران.

- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۹۰)، *وقایع الزمان (خاطرات شکاریه)*، به کوشش خدیجه نظام‌مافی، چاپ اول، تهران: تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، دوجلدی، تهران: آدنا.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال*، گزارش چارلز فرانسیس مکنزی اولین کنسول انگلیس در رشت از سفر به مازندران و استرآباد، تهران: گستره.
- ملک‌المورخین، عبدالحسین خان (بی تا)، *مرآت‌الوقایع مظفری*، جلد ۱، بی جا: میراث مکتوب.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۱)، *سفرنامه‌ی خراسان*، به خط میرزا محمدرضا کلهر، تهران: بابک.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۷)، *روزنامه سفر گیلان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، گیلان: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۷)، *روزنامه‌ی سفر گیلان*، تصحیح و تحشیه: دکتر منوچهر ستوده، گیلان: موسسه‌ی فرهنگی جهانگیری.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۸)، *یادداشت‌های روزانه‌ی ناصرالدین شاه (۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق)*، به کوشش پرویز بدیعی، سازمان اسناد ملی ایران، تهران: اسناد سازمان ملی ایران.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۹)، *روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه (از محرم تا شعبان ۱۳۰۶ ه.ق)*، تصحیح و ویرایش عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۰)، *سفرنامه‌های عصر ناصرالدین شاه*، نامه‌ی مازندران، مجموعه‌ی اول، به کوشش مصطفی نوری، تهران: البرز.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه از شوال ۱۲۸۱ تا ذیحجه ۱۲۹۰*، به کوشش مجید عبد امین، تهران: سخن.
- نایب‌الایاله، رضاقلی میرزا (۱۳۶۱)، *سفرنامه رضاقلی میرزا*، زیر نظر ایرج افشار، به کوشش اصغر فرمانفرمایی قاجار، تهران: اساطیر.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۷)، *طهران عهد ناصری*، تهران: عطار.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۱)، *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*، با مقدمه‌ای از عباس اقبال آشتیانی، شامل قسمت مهمی از وقایع سلطنت ناصرالدین شاه، تهران: بابک.
- نوربخش، حسین (۱۳۴۶)، *کریم شیرهای*، با مقدمه محمدجعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰)، *«تاریخ روضه‌الصفای ناصری»*، در سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر، جلد ۱۰، تهران: اساطیر.
- هدین، سون (بی تا)، *کویرهای ایران*، ترجمه‌ی پرویز رجیبی: توکا.

تحلیلی بر عوامل مؤثر بر شکار ... (زهر قنبری و سهم‌الدین خزایی) ۲۱۳

وامبری، آرمین (۱۳۷۲)، «زندگی و سفرهای وامبری»، دنباله‌ی سیاحت درویشی دروغین، ترجمه‌ی محمدحسین آریا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

